

رسالت روحانی ما

ترجمه سخنرانی جناب دکتر پیتز کان، عضو محترم بیت العدل اعظم

در کنفرانس «استقرار ملکوت الهی»، میلواکی، اول جولای ۲۰۰۱

Persian Translation of Talk by Dr. Peter Khan, Member of the Universal House of Justice, at Building the Kingdom Conference in Milwaukee, WI, July 1, 2001

دوستان عزیز، اگر شما در جستجوی راحت و آسایش به اینجا آمده‌اید، و یا مانند بسیاری از مردم در اطراف ما در پی آن هستید که زندگی خود را وقف دستیابی به لذایذ عالم کنید، این کنفرانس برای شما نیست. ولی اگر بعکس، مشتاقانه مایلید که راهی بیابید تا بتوانید به هدف واقعی زندگی خویش برسید، این کنفرانس برای شماست. اگر آرزوی شما دست یافتن به خوشبختی واقعی و پایداریست که ماورای سعادتتست که با جمع آوری مال و منال بدست می‌آید، این کنفرانس برای شماست. اگر معتقدید که ما انسانها تنها موجودات مادی نیستیم، بلکه موجوداتی هستیم روحانی، با بُعدی روحانی، که هدفی برای پرورش روحانی خود داریم، این کنفرانس از آن شماست. و اگر با توجه به اینکه روزهای زندگانی ما زود گذرند می‌کوشید تا با این دلگرمی و رضایت خاطر آماده گذشتن از این زندگی باشید که در بهزیستی بشر مؤثر بوده‌اید، پس این کنفرانس از آن شماست.

برنامه‌هایی که در اینجا برگزار شده، مخصوصاً جلسهٔ دیروز که محفل مقدس ملی جزئیات نقشهٔ پنجساله را به نحوی بسیار عالی ارائه دادند، ما را بار دیگر با هدف و مقصودمان آشنا ساخته و متذکر شدیم که کیستیم و در اینجا چه می‌کنیم. از ما خواستند که تعهد خود را نسبت به وظایفی که داریم تجدید کنیم. ما را فراخوانده‌اند تا مجریان نقشهٔ پنجساله باشیم و جریان ورود افواج مؤمنین را به امر الهی به پیش ببریم. فراخوانده شده‌ایم تا این اقدامات را به منظور تحقق یافتن وعود الهی و «استقرار ملکوت الهی بر روی زمین» انجام دهیم.

مأموریت ما دارای سه جنبه است:

- باید در وجود خود تحول روحانی عظیم و باشکوهی را ایجاد کنیم، خصوصیات اخلاقی خود را به حد کمال رسانیم، رفتارمان را تلطیف کنیم، احساس عبودیت به حق را در خود پرورش دهیم و در خود چنان تحولی روحانی بوجود آوریم که ملکوتی گردیم.
 - همچنین از ما خواسته‌اند جوامع بهائی را در این سرزمین چنان متحول کنیم که ارزشهای روحانی ملکوت مانند محبت، اتحاد، شور و نشاط، پویایی و خلاقیت را نمایان سازند.
 - و از اینها گذشته، از ما خواسته شده است که دامنهٔ جامعهٔ بهائی را چنان وسعت دهیم که نه تنها همهٔ مردم ایالات متحده بلکه کلیهٔ مردم جهان را در بر گیرد.
- این است رسالت ما. این است وظیفهٔ ما. این است سهم ما. برای همین خلق شده‌ایم و این بهترین کاری است که می‌توانیم در باقیماندهٔ عمرمان انجام دهیم.
- من امروز صبح می‌خواهم دربارهٔ سه جنبهٔ رسالت روحانیمان صحبت کنم. قصدم این نیست

که این موضوع را به تفصیل شرح دهم. ما از اعضای محفل روحانی ملی مطالب خوبی شنیدیم و از سخنان اعضای هیئت مشاورین الهام گرفتیم. اشاره‌های آنان به ما دیدگاه وسیعتری بخشید. من فقط قصد دارم نکته‌ای چند به مطالب مزبور بیفزایم.

نخست می‌خواهم در باره تبلیغ امر صحبت کنم. من از این رو به این موضوع می‌پردازم که در این کشور، و همچنین در نقاط دیگر جهان، از مقام و منزلت وقف کردن زندگی خود برای اشاعه و ترویج دین تا حدودی کاسته شده‌است. آن گروه از ما که تاریخ معاصر آمریکا را مطالعه کرده‌ایم با اتفاقات جالب زندگی ایمی سِپِل مکفرسن Aimee Semple McPherson آشنا هستیم. آنها هم که داستانهایی مانند Elmer Gantry و Guys and Dolls را خوانده‌اند که در آنها نویسندگان به شرح زندگی میبلغین مسیحی پرداخته‌اند با این موضوع آشنایی دارند. آخر شبها تلویزیون را باز کنید تا ببینید مبشرین مسیحی با چه آب و تاب خاص و جالبی در باره توسعه پیام خویش صحبت می‌کنند. ما از جریان جیم جونز Jim Jones و آنچه در "گایانا" Guyana گذشت آگاهیم و با عاقبت گروه ویکو Waco و همچنین با رویدادهای دیگر از این قبیل در تاریخ معاصر آمریکا آشناییم. و همین آشنایی است که بدون شک نظر ما را از هر فراخوانی برای ترویج دین بر می‌گرداند. بسیار پیش می‌آید که تعهد به تبلیغ دین با مفاهیمی تداعی می‌شود که در نظر هر انسان متفکری از مقام و منزلت آن می‌کاهد، زیرا ما را به یاد فشارهای فروشندگان زبردست می‌اندازد. به نظر من فروشندگی شغل آبرومندیست و من از شغل فروشندگی صحبت نمی‌کنم، بلکه مقصودم روشهای منحرف فروشندگی است که اغلب در تبلیغ دین هم به کار گرفته می‌شود. توسعه دین و تبلیغ آن اغلب با فشار و اجبار همراه می‌شود، اجبار از راه ایجاد ترس از گناه، از راه فشارهای روانی و استفاده از تمسخر و تحقیر.

در تجزیه و تحلیل نهائی، انواع طرق تبلیغات دینی که اکنون رایج است نوعی از رشوه دادن است. تبلیغات دینی اغلب از افرادی که دارای جاذبه خاصی هستند بهره می‌گیرد که معمولاً مردم دنباله‌رو را به خود جلب می‌کنند تا کورکورانه از آنها پیروی کنند. به همین دلیل ممکن است بعضی با بی‌میلی و اکراه دعوت به وقف کردن خود برای تبلیغ امر بهائی را بپذیرند، و این اکراه قابل درک است. من می‌خواهم به شما اطمینان بدهم که روش تبلیغ دیانت بهائی هیچ وجه تشابهی با این طرز تفکرهای منحرف و سخیف ندارد.

زمانی که ما درباره تبلیغ امر صحبت می‌کنیم روش ما این است که آنچه را که معتقدیم واقعاً مفید است در کمال فروتنی به اطرافیانمان تقدیم کنیم زیرا عقیده داریم که با قبول آن زندگی ایشان تغییری اساسی خواهد کرد و قلوبشان شفا و آرامش خواهد یافت. ما هرگز درباره معرفی رستوران جدیدی که غذاهای تازه ارائه می‌دهد به دوستان و نزدیکانمان و حتی به کسانی که نمی‌شناسیم تردید بخود راه نمی‌دهیم. هیچ‌گاه در معرفی روش جدیدی که برای معالجه پیدا شده‌است به دیگران مردّد نیستیم. ابدأ در اعلام منافع دواى جدیدی که به بازار آمده‌است، خواه کرم باشد یا نوعی روغن یا موادی که از سرماخوردگی جلوگیری می‌کند تردید نداریم. از در میان گذاشتن این‌گونه اخبار با دوستان و آشنایان و حتی افراد ناشناس ابائی نداریم زیرا می‌پنداریم که برایشان مفید است. اگر در چنین مواردی احساس شرم نداریم چگونه‌است که خجالت می‌کشیم با کسانی که به طور وضوح

در رنجند و بدون شک تحت فشارهای روحانی قراردارند و اشتیاق شنیدن دارند دربارهٔ پیامی صحبت کنیم که زندگیشان را تغییر خواهد داد؟

در قسمتی از کتاب مستطاب ایقان، آنجا که حضرت بهاء الله در بارهٔ ظلم سخن می‌رانند، زمان حال را زمان ظلم عظیم می‌خوانند و مضمون بیانات مبارک این است که چه ظلمی بالاتر از این که شخصی بخواهد حقیقت را دریابد و نداند آن را در کجا بیابد. بدین معنی است وقتی می‌گوییم ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن ظلم مشهود است. این ظلم، فیزیکی نیست و به شکل فشارهای نظامی یا روانی نمایان نمی‌شود. ولی وقتی در اطراف ما افرادی زندگی می‌کنند که مانند ما شائق شناختن حقیقت و دست یافتن به صفا و سازش و درمان دردها و اتفاق و اتحاد و صلح هستند و نمی‌دانند چگونه آن را بدست آورند چگونه می‌توانیم ساکت بمانیم؟

در تبلیغ امرالله، شیوه‌ای را به کار می‌گیریم که در آثار مبارکه تعیین شده و از طرف مؤسسات امری، بوسیلهٔ لجنه‌های ملی تبلیغ و شوراهای منطقه‌ای، به اجرا گذاشته شده است. روش ما با توجه به حفظ احترام فرد و رعایت حقوق او طرح‌ریزی شده است. از وارد آوردن فشارهای روانی، جبر و رشوه‌های غیرمستقیم استفاده نمی‌کنیم. پیشرفت آیین ما از تعهدمان به وحدت عالم انسانی نیرو می‌گیرد. احترامی که برای حقوق بشر قائلیم ما را بر آن می‌دارد که تعالیم بهائی را با احترام و توجه به آزادی دیگران ارائه دهیم. روش ما برای گسترش امر، ریشه در اعتقادمان به قوای غیبی روحانی دارد و به آن قوا تکیه می‌کنیم. به ما وعده داده شده است که اگر اقدام کنیم قوای عظیم روحانی به یاریمان خواهد آمد. اگر آثار مبارکه را ارائه دهیم آن کلمات تأثیری اسرارآمیز بر شنونده دارد. بجای اندرز دادن و موعظه کردن به تأثیر سرمشق متکی هستیم، و همین سبب پیشرفت ماست. اگر نقشهٔ پنجساله از ما می‌خواهد که بر تعداد افراد جامعهٔ بهائی بیفزاییم، موفقیتمان بیشتر به توانایی ما در ارائهٔ نمونه‌های عملی بارز بستگی خواهد داشت تا به حرفهایی که می‌زنیم یا آنچه انتظار داریم دیگران انجام بدهند.

اکنون به دومین نکته از سه نکته‌ای می‌پردازم که می‌خواستیم بگویم، و آن مربوط به مطلبیست که چند دقیقه پیش رئیس محترم محفل روحانی ملی بدان اشاره کردند و آن مسئلهٔ فداکاریست. این مطلب در گفتار مشاور محترم خانم مرفی Rebecca Murphy هم مستتر بود. رسیدن به هدفهایی که می‌خواهیم در این سالها بدانها برسیم آسان نخواهد بود. کار، مشکل است و فقط از راه به کار گرفتن وقت و پول زائدی که در اختیار داریم بدست نخواهد آمد. مثلاً بگوییم امشب کار مهمی ندارم، پس شاید بتوانم به یک فعالیت بهائی بپردازم. یا در آخر ماه این مبلغ مختصر زیاد آمده است و احتیاج خاصی هم به آن ندارم، خوب پس می‌توانم آن را صرف فعالیتهای بهائی کنم. این طرز فکر به درد نمی‌خورد. آنچه در نقشهٔ پنجساله از ما خواسته شده است، و بهتر است که خود را در این باره گول نزنیم، فداکاری واقعیست. یعنی گذشتن از کارهایی که دوست داریم انجام دهیم. یعنی فداکردن بعضی از لذایذ برای کسب لذتهای والاتر. آنچه در نقشهٔ پنجساله از ما خواسته شده است این است که راه خود را از راه مردم اطرافمان جدا کنیم. از ما خواسته نشده است که از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم بترسیم ولی از ما خواسته شده است که راهی قهرمانانه برای خود برگزینیم که بر اصولی چند استوار است. یکی از آنها

فداکاریست. نگرش ما به جهان با نگرش مادی جامعه اطرافمان فرق می کند. ما وجود جهان مادی را قبول داریم، به قدرتهای مادی که در جهان در کارند واقفیم، و عناصر مادی حیات را می پذیریم. این کاملاً منطقیست و قسمتی است از آنچه خداوند آفریده است. ولی اگر تصویری که از جهان داریم فقط مادی باشد فدا کردن وقت و پول به نحوی داوطلبانه خیلی معنی نمی دهد. در نتیجه آن را با ناراحتی و به صورتی ظاهری انجام خواهیم داد، بدون اینکه نسبت به آن هیچ احساس تعهدی داشته باشیم. باید در دل خویش تصویری از جهان داشته باشیم که نشانه تأثیر و تأثر قوای مادی و روحانی باشد. تصویری از جهان که نشان بدهد ماورای مادیات هستیم. یعنی موجوداتی هستیم اساساً روحانی که برای مدتی کوتاه در این جهان مادی به سر می بریم تا آنگاه که به عوالم ابدی آفرینش در آییم. اگر این مفهوم عمیق بُعد روحانی خویش را دریابیم، آنگاه فداکاری برایمان امری سرورانگیز و لذت بخش خواهد شد و وسیله ای خواهد بود برای دست یافتن به رضایت خاطر و سعادت والای و عمیق تر.

نکته سومی که مایلم در باره آن چند دقیقه ای صحبت کنم موضوع مشکل و نامطبوع و ناخوش آیند پشتکار و استقامت در عمل است. راستش احساس می کنم مثل گرینچ Grinch که کریسمس را دزدیده بود شده ام. در کنفرانسی به این خوبی، زمانی که همه خوشحال و راضی و سرحالیم و آرزو داریم هرچه زودتر مثلاً آن پاسبان سر گذر را به قبول امر مبارک دعوت کنیم و زمانی که همه به نظر می رسد سرشار از شور و شوقیم بیاییم و از پشتکار و مداومت صحبت کنیم! خواهید گفت «منظور از پشتکار در خدمات چیست؟ من حاضرم جانم را فدای امر کنم. به محض بازگشت به منزل ۲۴ ساعت و قتم را صرف خدمت به آن خواهم کرد. صبر کن تا ببینی که چه خواهم کرد. چطور است که شما که خود در گوشه ای نشسته اید سخن از پشتکار می زنید؟» این کار را می کنم زیرا طی سالیان دراز خودم را مطالعه کرده ام و با نقطه ضعفها و عدم موفقیتها و ناتوانیهایم آشنا هستم. و دریافته ام که در مرکز ثقل استقرار ملکوت الهی بر روی زمین تحول و رشد باطنی و روحانی قرار دارد. من این را هدفی شریف و فوق العاده و روشنگر می دانم. ولی هنگامی که به اعماق تاریک باطن مادی خود می نگرم متوجه می شوم که این هدف خیلی زود تازگی خود را از دست می دهد. به تجربه آموخته ام که جریان تحول روحانی در واقع اقدامیست انفرادی، حتی اگر انسان عضو گروهی باشد که همه در همین جهت حرکت می کنند. ما می توانیم یکدیگر را تشویق کنیم. می توانیم پشتیبان همدیگر باشیم و نسبت به هم خوش رفتاری کنیم. ولی جریان تلطیف اخلاق و پیروی از احکام بهائی، پرورش عادت به نماز خواندن، تمرکز حواس به هنگام مناجات کردن و مطالعه مرتب آثار مبارکه، در اصل اقدامیست انفرادی و در نتیجه انسان باید همیشه با احساس تنهایی و یأس که از خصوصیات کارهای انفرادیست مبارزه کند. بدین جهت است که این مطلب را عنوان می کنم که امتحان واقعی امروز یا هفته دیگر نیست بلکه آزمایش حقیقی در ماههای آینده خواهد بود، زمانی که خاطره این کنفرانس فوق العاده در ناخودآگاه ما قرار می گیرد، آن زمان امتحان پشتکار و پی گیری پیش خواهد آمد.

در اینجا در باره جامعه بهائی خیلی حرفها زده شد و هرچه شنیدم درست است. جامعه بهائی یک مخلوق جدید است. چنانکه چند روز پیش گفته شد خلقت جالبی ست از حضرت بهاء الله. ایجاد

این چنین واحدهای متشکل و زنده گامی تازه در تکامل اجتماعی نوع بشر است. این واحدهای پویای محلی و ملی و جهانی در طی دهه‌ها و قرن‌ها و شاید هم هزاره‌های آینده متحول خواهند شد و گسترش خواهند یافت و تواناییهای قابل توجهی بدست خواهند آورد. اکنون در آغاز پر شورترین ماجرای تاریخ اجتماعی بشر هستیم. و جوامع بهائی ما پدیده‌های شگفت‌انگیزی هستند که دارای قابلیت‌های فراوانی می‌باشند.

اما آنچه برای پیشرفت جامعه بهائی لازم است آموختن الگوهای جدید است در رفتار و عاداتهای رفتاری و روشهای جدید در روابط اجتماعی. باید به یاد داشته باشیم که زندگی در جامعه بهائی همیشه کار آسانی نیست. بیایید نسبت به سختیها و وقایع مایوس‌کننده در جریان زندگی در جامعه بهائی واقف‌تر باشیم. آنهایی که در جامعه بهائی فعال هستند بعضی اوقات خود را مایوس می‌یابند، گاهی حتی ممکن است رنجیده خاطر شوند و در کمال نومیدی بپرسند: پس همه این خوبیها که می‌گفتید از قبیل واحد اجتماعی زنده و قوای روحانی و نورانیت کجاست؟ من که جز سرخوردگی و نومیدی حاصلی از این افراد ناتوان و کارهایی که انجام می‌دهند یا انجام نمی‌دهند نمی‌بینم. زندگی اجتماعی بهائی تغییریست اساسی در رفتار اجتماعی انسان. ما باید آنچه را در طول ۶۰۰۰ سال آموخته‌ایم کنار بگذاریم، و این یکشنبه اتفاق نخواهد افتاد و نیاز به کوششی بسیار سخت خواهد داشت. در ارتباط با همین بود که من به لزوم استقامت و پایداری در کوششهایمان اشاره کردم. قبلاً اشاره کردم که آنچه از ما خواسته شده است زنده کردن روحیه قهرمانیست. زیرا برای استقرار ملکوت الهی بر روی زمین باید جرئت کنیم که با دیگران تفاوت داشته باشیم. ما جرئت داریم در راهی قدم برداریم که تا حدودی با راه اطرافیانمان تفاوت دارد زیرا به رسالت خود نظر داریم، و از مسؤولیتهایی که داوطلبانه با پذیرفتن عضویت در جامعه بهائی قبول کرده‌ایم آگاهیم. در نتیجه زمانی فرا خواهد رسید که اطرافیانمان تا حدی ما را مسخره خواهند کرد و میکوشند هدفهایمان را به خلاف واقع نمایش دهند. و به دلیل همین احساس مأموریتی که داریم و بجهت تعهدمان نسبت به ایجاد جهانی نوین با نگرانی به ما خواهند نگرست. بعضی ما را با آغوش باز پذیرا خواهند شد و بعضی هراسناک خواهند بود. عده‌ای خواهند کوشید که ما را از قصد و هدف والایی که داریم باز دارند. به وسیله اطرافیانمان مرتباً وسوسه خواهیم شد که به لذایذ پوچ زندگی بیشتر توجه کنیم. در برخورد با همه اینها باید قوی، دلیر و مصمم باشیم. گذشته از این عده‌ای خواهند کوشید که تخم شک و تردید را در دل ما بکارند و ایمان ما را مورد امتحان قرار دهند. خواهند کوشید تا اهداف و فعالیت‌های ما و حتی اعمال مسؤولان اداری ما را به رنگ مادیات بیالایند. زمانی که در ماهها و سالهای آینده در باره ممارست و مداومت اقداماتمان می‌اندیشیم باید با دیده‌ای واقع بین در انتظار همه این گونه وقایع باشیم.

چگونه می‌توانیم خود را آماده سازیم و قدرت لازم برای رویارویی با این امتحانات را بدست آوریم؟ در پیش روی خود بیانات حضرت عبدالبهاء را که همیشه قابل اجراست داریم: مضمون بیان مبارک این است که بدون شک خداوند توانا به لطف و عنایت خویش شما را یاری خواهد داد و به نشانه‌هایی از قدرت خود شما را مفتخر خواهد فرمود و نفوس را به قوای روح القدس مؤید خواهد نمود. نیروی روح القدس است که می‌تواند ما را به کوشش پی‌گیر موفق کند. بدون یاری آن نیرو

محکوم به شکست هستیم، زیرا شور و شوق فرو خواهد نشست، کوششها دوام نخواهد یافت و در بیحالی و عدم فعالیت به اطرافیانمان خواهیم پیوست. با کمک روح القدس است که پایداری ما حتمی و پیروزیمان تضمین شده است. پس معلوم می‌شود که قوای ما ریشه در یاری مداوم نیروی روح القدس دارد که آیین حضرت بهاء الله از آن سرچشمه گرفته است. با تعهد مستمر به دعا و مناجات، مطالعه آیات مبارکه و تعمق در آن، شرکت پی‌گیر در فعالیتهای بهائی و تبرعات فداکارانه به صندوقهای امری و دیگر اقدامات از این قبیل است که می‌توانیم با وجود برخورد باهمه مشکلات، تأییدات روح القدس را برای مداومت کوششهایمان جلب کنیم.

اکنون سخنان خود را به پایان می‌رسانم. مانند دیگران در این کنفرانس، من نیز در باره لزوم احیای حس وظیفه‌شناسی نسبت به آینده بشر صحبت کردم که خصیصه بارز دیانت بهائیست. احساس برادری و خواهری با مردم جهان برای ما فقط یک فکر الهام‌بخش یا ایده آلی شریف نیست. مفهومی که از عضویت در خانواده بشری داریم با حس وظیفه‌شناسی غیرقابل اجتنابی نسبت به درمان دردها و از میان بردن رنجها همراه است. به ما گفته شده است و شکی در آن نیست که عقیده به این که در لحظه‌ای بحرانی از تاریخ قرار داریم جزء لاینفک دین ماست. حضرت بهاء الله شریعت الله را برای استقرار ملکوت الهی بر زمین تأسیس فرموده است. قوایی روحانی در وقایع جهان دخالت دارد و امور بشر را برای رسیدن به این هدف هدایت می‌کند و وظیفه انفرادی ما این است که خود را برای رسیدن به این اهداف عالی با آن قوا هماهنگ گردانیم.

در این رابطه باید بدانیم که امریکا بسیار مورد لطف و عنایت الهی است. زیرا کشوریست با امکانات عظیم. دیگست همه جوش از مردم نقاط مختلف دنیا. مردم امریکا به نیروی بسیار، قدرت خلاقیت و نیروی ابتکار مشهورند. امریکا، به معنی واقعی کلمه، جهان‌نیست جدید و چون چنین است مسؤولیتهایش هم به همان نسبت عظیم‌تر است. وظیفه شما ایفای نقش رهبری در گسترش امرالله در سراسر جهان و رهبری استقرار ملکوت الهی بر روی زمین است. شما افتخار عضویت در جامعه بهائی امریکا را دارید. افتخار دارید که جزئی از ملت امریکاییید. همراه با ابراز ستایش بجهت افتخاری که نصیب شما شده این تذکر را نیز می‌دهم که این افتخار وظیفه‌ای بس سنگینتر از وظایف سایر ملل بر دوش شما می‌نهد. در سالهای آینده مردم جهان به سوی امریکا خواهند نگرست. بهائیان سایر کشورهای جهان جامعه بهائی امریکا را به عنوان رهبر و سرمشق خواهند شناخت و روحیه تعهد و فداکاری را برای انجام فعالیتهایشان از شما خواهند آموخت.

بدین سبب است که آخرین اشاره‌های من برای جلب توجه مجدد شماست به شگفتی و شکوه و شرافت مأموریتی که برعهده دارید. و با بیانی از حضرت عبدالبهاء به سخنانم پایان می‌دهم و شما را تشویق می‌کنم که تا آنجا که ممکن است این بیان را به خاطر بسپارید و بگذارید که در ماهها و سالهای آینده مایه تشویق و الهام‌بخش جهان‌بینی شما باشد و به هنگام تجدید عهد خود به کار عظیمی که در پیش دارید آن را به یاد آورید. و اکنون با این بیان حضرت عبدالبهاء به سخنانم پایان می‌دهم: **"کار این کار عظیم است اگر به آن موفق شویم تا امریک مرکز سوحات رحمتیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد."**